

# تربیت براساس جنسیت و نقش آن در شکل‌گیری هویت

فاطمه‌السادات شاه‌زیدی  
دانشجوی دکتری مشاوره

## اشاره

در همهٔ اعصار، در جامعه زنان و مردانی بوده‌اند که از هویت خود رضایت کامل نداشته و دلایل متعددی برای آن برشمرده‌اند که یکی از آن‌ها، سبک تربیتی والدین معرفی شده است. نویسنده در مقاله حاضر با مرور محتوای کتب مختلف دربارهٔ این موضوع بسیار مهم، پس از بیان مقدمه، نقش و جایگاه والدین در سبک تربیت جنسی و برخی اختلالات نقش‌آموزی جنسیتی را که در صورت نبود مدیریت در تربیت براساس جنسیت توسط والدین به وجود می‌آید، بررسی خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، جنسیت، تربیت جنسی، هویت

## مقدمه

هویت انسان تحت تأثیر عوامل گوناگونی مثل نژاد، ملیت، شغل، و سن قرار می‌گیرد. اما در اکثر جوامع مهم‌ترین، مرکزی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین این عوامل، هویت اجتماعی مردانگی و زنانگی است. هویت جنسیتی مفهومی است که فرد از خود به‌عنوان یک زن یا مرد دارد؛ آن‌گونه که در جمله‌های «من پسر» یا «دخترم» منعکس است. هویت جنسی یک شخص، جنسیتی است که شخص از طریق آن با خودش به‌عنوان یک مرد یا زن پیوند عاطفی می‌یابد. نقش جنسیتی اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عنصر هویت است. این نقش شامل رفتارها و نگرش‌هایی است که برای مردان و زنان در فرهنگ خاص مناسب قلمداد می‌شود. اگر جنس فرد به‌طور زیستی تعیین می‌شود، نقش جنسیتی را فرهنگ و اجتماع بنا می‌کند. روان‌شناسان بین هویت جنسیتی، نقش جنسیتی و جهت‌گیری جنسی تفاوت قائل شده‌اند.

## نقش والدین در شکل‌گیری هویت

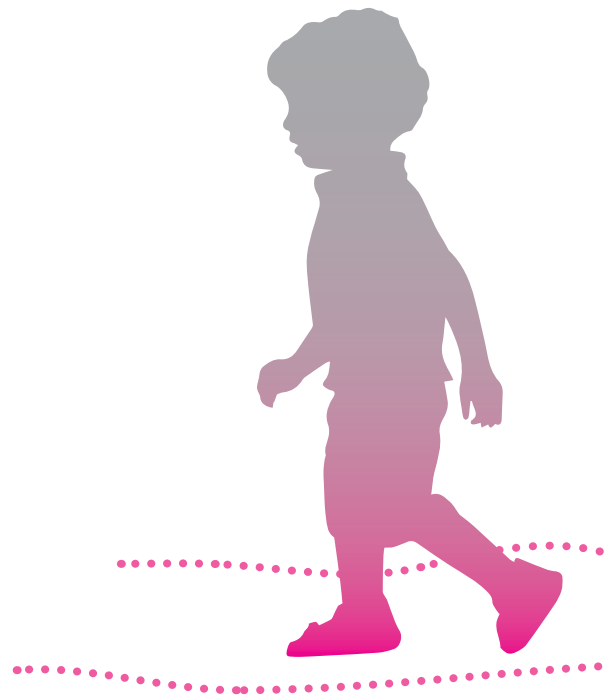
نقش والدین در شکل‌دهی، رشد بهنجار و پایدار هویت جنسی کودکان، یکی از مهم‌ترین، دشوارترین و در عین حال، ظریف‌ترین وظایف تربیتی است. امروزه بسیاری از مسائل و مشکلات خانوادگی به تربیت دختر و پسر در دوران کودکی آن‌ها برمی‌گردد؛ آن‌هم تربیتی براساس نوع و جنسیت آن‌ها، که این نوع تربیت اهمیت بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و هویت فرد دارد.

همان‌طور که اشاره شد، هویت جنسی به احساس مردانگی یا زنانگی هر فرد اطلاق می‌شود و تا ۲ تا ۳ سالگی تقریباً هر بچه‌ای با قاطعیت می‌تواند بگوید «من پسر» یا «من یک دخترم». هویت جنسی از مجموعه‌ای از ایماها و اشارات مشتق از تجارب مشخص یا اعضای خانواده، معلمان، دوستان و همسالان و پدیده‌های فرهنگی ناشی می‌شود.

نقش‌آموزی جنسیتی فرایندی است که از طریق آن، کودکان ارزش‌ها و انگیزه‌های رفتارهایی را که در یک فرهنگ خاص مختص مردان یا زنان تلقی می‌شود، کسب می‌کنند. کوشش‌های هماهنگ برای مرتبط ساختن معیار نقش جنسیتی پسران و دختران و شکل دادن رفتارهای متفاوت در آنان در همان آغاز خردسالی شروع می‌شود. در فرهنگ‌های مختلف، همسانی قابل ملاحظه‌ای را در معیارهای رفتار منطبق با نقش جنسیتی می‌توان یافت؛ مثلاً اینکه دختران با عروسک بازی می‌کنند و پسران با تفنگ یا شمشیر و یا نقش راننده کامیون را بر عهده می‌گیرند. پسرها برای آنکه سرنوشت زیستی‌شان را جامعه عمل ببوشانند، بایستی خود را با پدر همانند سازند و دخترها هم به همین منظور با مادر همانندی می‌کنند. همانندی روندی مهم است که پسرها از طریق آن مرد می‌شوند و دخترها زن. اگر روابط بین کودکان و



اختلالاتی که در نقش آموزی جنسیتی به وجود می‌آید، به‌ویژه در پسرانی که در دوران پیش از نوجوانی قرار دارند، کاملاً آشکار است



### والدین مبتنی بر احترام و عشق باشد، همانندی به آسانی انجام می‌شود.

به پسرها باید اجازه داد خشن تر باشند و این دو دلیل دارد: یکی بدین خاطر که پسرها انرژی بیشتری دارند و دیگر اینکه جامعه از آن‌ها انتظار قاطعیت و رفتار محکم دارد. مادران و معلمان بایستی از ترویج رفتار زنانه در پسرها خودداری کنند. پسرها نباید مجبور باشند اسامی زنانه را تحمل کنند، لباس‌های تنگ بپوشند یا موی سرشان را مثل دخترها آرایش کنند. از پسرها نباید انتظار داشت که به پاکیزگی و انعطاف‌پذیری دخترها باشند. والدین به‌خصوص باید مواظب این مورد باشند که به خاطر ناامیدی‌شان در داشتن یک فرزند دختر، فرزند پسرشان را به سوی زنانگی سوق ندهند. پسری که موی سرش مثل دخترها به زیبایی آرایش شده است، شاید در نظر اطرافیان و خویشاوندان دلفریب باشد اما در نظر هم‌بازی‌هایش - اگر کسی حاضر به بازی با وی باشد - پسری دخترصفت به حساب خواهد آمد. همچنین، اگرچه یک دختر با داشتن صفات پسران حیثیت کمتری از دست می‌دهد تا یک پسر با دخترصفت بودن، مهم است که کودک دختر کمک کنیم تا لذت و افتخار را در مؤنث بودن خود پیدا کند.

تفاوت‌های جنسی در طول سال‌های مدرسه مورد تأکید قرار می‌گیرند. از پسرها و دخترها انتظار می‌رود که هوس‌ها و علایق متفاوتی از خودشان نشان دهند. پسرها باید در فعالیت‌های مردانه‌شان شأن و مردانگی کسب کنند. دخترها نیز باید شأن زنانگی‌شان را از فعالیت‌های زنانه به دست آورند. با تأمین علایق و فعالیت‌ها از لحاظ فرهنگی برای دو جنس مذکر و مؤنث دسته‌بندی صحیح‌تری صورت می‌گیرد. سال‌های مدرسه زمان مناسبی برای محکم‌تر کردن روابط پسر با پدر و دختر با مادر است. سال‌های مدرسه همچنین زمانی برای آشنا کردن دخترها با هنر آشپزی و خانه‌داری است. دخترها در طول این سال‌ها می‌توانند یاد بگیرند

که چگونه آشپزی کنند، بافتنی ببافند، خیاطی کنند و غذاهای ساده و فوری تهیه کنند و از خانه مراقبت نمایند. همچنین، پدر باید به آمادگی پسرش برای برقراری ارتباط با او خوشامد بگوید و از میل وی برای تقلید از طرز راه رفتن، لباس پوشیدن و صحبت کردن پدر استقبال کند. این تقلیدها را نباید مسخره کرد بلکه باید تشویق نمود. تقلید از طرز رفتار و گفتار ممکن است به تقلید از علایق و ورزش‌ها منجر شود. پدر در برخورد‌های صمیمانه‌اش با پسر خود نشان می‌دهد که معنا و مفهوم مرد در خانواده و جامعه چیست. بهترین نمونه‌ها و سرمشق‌هایی که کودکان می‌توانند برای تعیین هویت خود از آن‌ها استفاده کنند، خود پدر و مادرند؛ پدر و مادری که به نقش‌های جنسی خودشان و نقش جنسی یکدیگر احترام می‌گذارند. پدر و مادر به روش‌های ظریف و دقیق و گوناگون می‌توانند با رفتار خود به کودک بفهمانند که مرد بودن و زن بودن گرمای داشته می‌شود و ارزش دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش پدر در خانواده به گونه‌ای محوری در هویت‌یابی جنسی در پسران و حتی دختران تأیید شده و ضعف نقش پدر یا عدم حضور فعال یا دور بودن وی از خانواده و با غیاب کلی او می‌تواند وقفه‌هایی در نقش‌آموزی جنسیتی فرزندان پدید آورد. از طرفی، غیاب پدر ممکن است مشکلاتی در رابطه مادر و فرزند نیز به وجود آورد. تلاش مادر برای جبران غیاب پدر، نه‌تنها او را از ایفای نقش زنانه و مادرانه خود نیز دور می‌کند بلکه می‌تواند مشکلات فزون‌تری برای خانواده‌ها ایجاد نماید. همچنین معلوم شده است که عدم حضور پدر به علت مرگ یا طلاق، جدایی موقتی از پدر و ارتباط نداشتن با او به علت جنگ یا ضرورت‌های شغلی وی (کار اقماری یا مأموریت‌های طولانی و ...) و یا نبود محبت میان پدر و مادر، همگی اختلالاتی در نقش‌آموزی جنسیتی پسران به وجود می‌آورد.

اختلالاتی که در نقش‌آموزی جنسیتی به وجود می‌آید، به‌ویژه در

اهمیت پرورش فرزندان به‌عنوان پسر و دختر و افرادی یکسان و برابر، نباید ما را از توجه به این نکته مهم دور کند که پسرها در آینده باید مرد باشند و دخترها زن. توجه داشته باشید که در عین اینکه خواهان برابری جنسیتی هستیم، نباید فراموش کنیم که برخی از وظایف زیستی تغییرناپذیرند و پیامدهای اجتماعی و روانی دارند

انتظار یک نوع رفتار را نداشته باشند، به آن‌ها کمک خواهند کرد. مادری که زن بودن را دوست دارد، به بهترین وجه ممکن می‌تواند این احساسات را به دختر خود منتقل کند. با وجود این، والدین باید از این نیاز آگاه باشند که مذکر و مؤنث بودن کودکانشان را تشویق کنند. این مناسب حال پدر است که از وضع ظاهر، لباس و فعالیت‌های زنانه دخترش تعریف کند و محیط خانوادگی فرصت خوبی را فراهم می‌کند تا این موقعیت اساسی و مهم به کودکان نشان داده شود که مردان و زنان در نقش‌های متفاوتشان محتاج یکدیگرند و نیاز دارند که از یکدیگر مراقبت کنند.

نمونه یک پدر ضعیف و مادر مسلط و نافذ هم بر فرزندان پسر اثر می‌گذارد و هم بر فرزندان دختر؛ پسرها ممکن است تلاش نکنند که بیش از حد تلافی این حالت را در آورند و با هرج و مرج و بوالهوسی و بی‌رحمی نسبت به زنان، مردانگی‌شان را به اثبات برسانند. دخترها نیز برای انتخاب شریک زندگی، اغلب از همان الگوهای خانواده خودشان پیروی می‌کنند و بدین وسیله وارونگی نقش‌های جنسی را ادامه می‌دهند تا آن را به نسل بعد انتقال دهند.

### جمع‌بندی

با توجه به مطالب گفته شده، اهمیت پرورش فرزندان به‌عنوان پسر و دختر و افرادی یکسان و برابر، نباید ما را از توجه به این نکته مهم دور کند که پسرها در آینده باید مرد باشند و دخترها زن. توجه داشته باشید که در عین اینکه خواهان برابری جنسیتی هستیم، نباید فراموش کنیم که برخی از وظایف زیستی تغییرناپذیرند و پیامدهای اجتماعی و روانی دارند.

### منابع

۱. پدرام، احمد و معروفی، محسن. (۱۳۹۱). *دلواپسی‌های جنسی پدر، مادر، فرزند*. انتشارات شهید حسین فهمیده.
۲. فی‌وش، رابین و گولومبک، سوزان. (۱۳۹۳). *رشد جنسیت*. مترجم: مهرناز شهرآرای. انتشارات ققنوس.
۳. هایم جی، گینات. (۱۳۹۵). *رابطه بین والدین و کودکان*. مترجم: سیاوش سرتیپی. انتشارات اطلاعات.

پسرانی که در دوران پیش از نوجوانی قرار دارند، کاملاً آشکار است. این آثار هنگامی شدیدتر خواهند بود که جدایی بین پدر و مادر و فرزند قبل از پنج سالگی صورت گرفته باشد. با زیاد شدن سن و تماس‌های اجتماعی بیشتر، الگوهای دیگری از قبیل معلم، دوستان، خواهر و برادران جانشین و یا افرادی که در رسانه‌های جمعی این نقش را به عهده می‌گیرند، تا حدی اثرات نبود پدر را در قبول نقش جنسیتی کاهش می‌دهد. به نظر می‌رسد که تأثیرات نبود پدر بر دختران پیش از مرحله نوجوانی اندک باشد. اما در دوره نوجوانی، ممکن است باعث اختلالاتی در رابطه بین دختران و مردان دیگر شود. تحقیقات نشان می‌دهد دخترانی که به خاطر طلاق پدر و مادر از رابطه با پدر محروم بوده‌اند، زودتر ازدواج می‌کنند. دختران خانواده‌های بدون پدر در مقایسه با دخترانی که زیر سایه پدرشان زندگی کرده‌اند، امکان آن را ندارند که در یک ارتباط متقابل، احساسات خود را با پدر در میان بگذارند و از همین جهت ممکن است برای بیان احساسات، به همسران خود روی بیاورند. دخترانی که با پدر رابطه مستمر داشته‌اند، نگرششان نسبت به همسر متعادل‌تر و واقع‌بینانه‌تر است و هم خوبی‌ها و هم نقاط ضعف شوهرشان را درک می‌کنند. در ارتباط با فرزندان، کودک به پدری نیاز دارد که نقش خود را بپذیرد. مردانگی را نمی‌توان در کلاس آموخت بلکه می‌توان آن را در زندگی از پدری کسب کرد که به‌عنوان نمونه و سرمشق در اختیار کودک قرار دارد. هم پسرها و هم دخترها برای رسیدن به سرنوشت‌های زیستی متفاوت خود به باری نیازمندند. اگر افراد از هر دو جنس

